

بررسی رابطه ویژگی‌های کمیته حسابرسی با مدیریت سود تعهدی و واقعی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

غلامرضا سلیمانی‌امیری^۱، صغری فصیحی^{۲*}

چکیده

کمیته حسابرسی شرکت‌ها یکی از حوزه‌های نظارتی مرتبط با حاکمیت شرکتی است که بر محیط تجاری شرکت‌ها تأثیر مهمی دارد. هدف از این پژوهش بررسی اثربخشی ابعاد کمیته حسابرسی با مدیریت سود شرکت‌ها است. لذا این تحقیق به بررسی رابطه استقلال و سطح تخصص و اندازه کمیته حسابرسی با مدیریت سود واقعی و تعهدی شرکت‌ها می‌پردازد. مدیریت سود تعهدی از طریق دستکاری ارقام تعهدی اختیاری در پایان سال مالی صورت می‌پذیرد و در این پژوهش از طریق روش تعدیل‌شده جونز محاسبه گردیده است. مدیریت واقعی سود از طریق دستکاری واقعی فعالیت‌های شرکت صورت می‌گیرد که در این تحقیق از طریق روش رویچودهری (۲۰۰۶) اندازه‌گیری شده است. نمونه تحقیق شامل شرکت‌هایی است که قبل از سال ۱۳۹۰ عضو بورس بوده‌اند و در سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ دارای کمیته حسابرسی می‌باشند. نتایج حاکی از آن است که استقلال کمیته حسابرسی با مدیریت سود تعهدی رابطه معنادار منفی دارد ولی سایر ابعاد کمیته رابطه معناداری با مدیریت سود تعهدی ندارند. همچنین با بررسی رابطه ابعاد کمیته حسابرسی با مدیریت سود واقعی مشخص شد که فقط سطح تخصص مالی اعضاء کمیته حسابرسی رابطه معناداری با مدیریت سود واقعی دارد.

واژه‌های کلیدی: مدیریت سود تعهدی، مدیریت سود واقعی، تخصص مالی اعضاء کمیته حسابرسی، استقلال اعضاء کمیته حسابرسی، اندازه کمیته حسابرسی.

۱. دانشیار حسابداری، دانشگاه الزهراء، تهران
۲. مربی حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۸/۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۹/۴

*نویسنده مسئول: صغری فصیحی
sfasihi2020@yahoo.com

۱. مقدمه

سود حسابداری دارای محتوای اطلاعاتی برای بازار سرمایه می باشد. با توجه به تئوری نمایندگی، جدایی مدیریت از مالکیت سبب عدم تقارن اطلاعاتی و کاهش کیفیت اطلاعات صورت‌های مالی می‌گردد، سرمایه‌گذاران بر صورت‌های مالی که توسط مدیریت تهیه شده و حساب‌سازان بر آن نظارت می‌کنند تکیه می‌کنند. مدیران صورت‌های مالی را برای جذب سرمایه‌گذاران بالقوه به‌گونه‌ای ارائه می‌دهند که سودهای گزارش‌شده را حداکثر کند و این امر موجب گمراهی سرمایه‌گذاران می‌شود. در این حالت اطلاعات حسابداری نمی‌تواند دارای ارتباط ارزشی باشد برای اطمینان بخشی نسبت به مربوط بودن اطلاعات حسابداری و حذف تأثیر اطلاعات گمراه‌کننده ارائه شده توسط مدیران، مکانیسم کنترلی قوی و مؤثری باید تدوین شود؛ بنابراین، حاکمیت شرکتی قوی در سطح شرکت‌ها به وسیله کمیته حسابرسی مستقل و سخت‌گیرانه و بر اساس ویژگی‌های دقیق، احتمالاً سبب افزایش اطمینان نسبت به قابلیت اعتماد و مربوط بودن صورت‌های مالی می‌شود. در مقابل، رابطه قوی را میان قیمت سهام و اطلاعات حسابداری ایجاد می‌کند؛ بنابراین یک کمیته حسابداری قوی به عنوان مکانیسم کنترلی قوی در سازمان عمل می‌کند. (حبیب و عظیم، ۲۰۰۸). در واقع، کمیته حسابرسی مسئول نظارت بر حاکمیت شرکتی، فرایند گزارشگری مالی، ساختار کنترل داخلی، عملکرد حسابرس داخلی و فعالیت‌های حسابرس مستقل است و به نیابت از هیئت‌مدیره و از طریق اطمینان‌بخشی نسبت به پاسخگویی شرکت، از سرمایه‌گذاران حمایت می‌کند (رضایی و همکاران، ۲۰۰۳)؛ بنابراین انتظار بر این است که کمیته حسابرسی شرکت‌ها منجر به بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری شده که این امر سبب کاهش مسائل مرتبط با تئوری نمایندگی می‌گردد و سهامداران با قابلیت اتکا بیش‌تری به نسبت به اطلاعات حسابداری، از آن‌ها در اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری خود استفاده نمایند. این کمیته، جهت حفظ منافع سهامداران باید نگرش جست‌وجوگرانه‌ای برگزیند و قضاوت‌های مدیریت را مورد سؤال قرار دهد. از اینرو، ترکیب و ساختار کمیته‌های حسابرسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از طرفی دیگر، ترکیب کمیته حسابرسی، محرک اصلی اثربخشی آن است (فریرا، ۲۰۰۸). با توجه به اهمیت ویژه کمیته حسابرسی به عنوان مکانیسم نظارتی حاکمیت شرکتی و پس از رسوایی شرکت‌های بزرگی مانند انرون، ورلدکام و ... و پر رنگ شدن نقش حاکمیت شرکتی در شرکت‌ها، در ایالات متحده امریکا که خاستگاه اصلی رسوایی‌های مالی بود قانون سربینز اکسلی (۲۰۰۲) تدوین شد، در سایر کشورها نیز مانند گزارش‌های هیگز و اسمیت (۲۰۰۳) در انگلیس، گزارش کمیته دی (۱۹۹۴) در کانادا قوانینی وضع شد. در ایران نیز در سال‌های اخیر با هدف بهبود کیفیت گزارشگری مالی، آیین‌نامه نظام حاکمیت شرکتی تصویب شده و رعایت آن

الزامی شده است. از جمله سازمان بورس و اوراق بهادار در سال ۱۳۹۱ به صورت ضرورت قانونی به شرکت‌های بورس اوراق بهادار اعلام نموده است شرکت‌هایی که تا آن زمان فاقد کمیته حسابرسی بودند ملزم به تشکیل و افشا آن به صورت گزارش کمیته حسابرسی شده‌اند. با توجه به نوپا بودن تشکیل این کمیته در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تاکنون تحقیقاتی که در ایران در حوزه حاکمیت شرکتی انجام شده باشد، بیش‌تر در جهت سنجش اثربخشی ابعاد و ویژگی‌های کمیته هیئت‌مدیره صورت گرفته است و کم‌تر به نقش و تأثیر کمیته حسابرسی پرداخته‌اند. تحقیق حاضر با رویکردی متفاوت به بررسی سنجش میزان اثربخشی ابعاد کمیته حسابرسی مانند استقلال و سطح تخصص اعضا و اندازه آن بر مدیریت سود تعهدی و واقعی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد.

۲. چارچوب نظری و پیشینه تحقیق

مبانی نظری

سود حسابداری همواره یکی از عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران بوده است. تاکنون تحقیقات زیادی در خصوص عوامل مؤثر بر کیفیت سود و دقت پیش‌بینی آن صورت گرفته است که این عوامل عمدتاً به دو گروه مالی و غیرمالی طبقه‌بندی شده‌اند. یکی از مسائل مورد توجه در این حوزه مدیریت سود و دستکاری مدیران در اعداد حسابداری گزارش شده است. هلی و والن (۱۹۹۹) بیان می‌کنند که مدیریت سود زمانی رخ می‌دهد که مدیران از قضاوت‌های شخصی‌شان در گزارشگری مالی استفاده کنند و ساختار معاملات را جهت تغییر گزارشگری مالی دستکاری کنند. این هدف یا به قصد گمراه کردن برخی از صاحبان سود در خصوص عملکرد اقتصادی شرکت یا تأثیر بر نتایج قراردادهایی است که انعقاد آن‌ها مشروط به دستیابی به سود مشخصی است. تعداد زیادی از محققان در بررسی‌های خودشان به این نتیجه رسیدند که مدیران نه تنها از طریق دستکاری ارقام تعهدی می‌توانند به مدیریت سود مبادرت ورزند بلکه از طریق تصمیم‌گیری‌های فعالیت‌های عملیاتی نیز می‌توانند این کار را انجام دهند. (هلی و والن، ۱۹۹۹، فادنبرگ و تیرل ۱۹۹۵، دیچو و اسکینر، ۲۰۰۲). رویچودهری (۲۰۰۶) دریافت که مدیران فعالیت‌های واقعی را به منظور اجتناب از زیان‌دهی گزارش‌های مالی انجام می‌دهند؛ و بر اساس مشاهداتش از ۴۲۵۲ شرکت در ۳۶ صنعت در سال‌های ۱۹۸۷-۲۰۰۱ به این نتیجه رسید که مدیران به ۳ روش به مدیریت سود واقعی می‌پردازند:

- تخفیف قیمت یا فروش اعتباری بیش‌تر و آسان‌گیرانه‌تر جهت افزایش موقتی در فروش

- کاهش هزینه‌های اختیاری (مانند تحقیق و توسعه، تبلیغات و حفظ و نگهداری) برای بهبود حاشیه سود

- افزایش بیش‌ازحد تولید جهت کاهش بهای تمام‌شده کالای فروش رفته (با تخصیص بیش‌تر سربار به موجودی کالا و بهای تمام‌شده هر واحد کم‌تر و درنهایت کاهش بهای تمام‌شده کالای فروش رفته) و افزایش حاشیه سود فروش عملیاتی

همچنین او می‌گوید که اگر مدیران از طریق دستکاری فعالیت‌های واقعی به مدیریت سود بپردازند تعیین نقش سرمایه‌گذاران آگاه در محدود کردن چنین فعالیت‌هایی بسیار مشکل است. کوهن و زاروین (۲۰۱۰) دریافتند که مدیریت ارقام تعهدی و واقعی همزمان رخ می‌دهند. تحقیقاتی که در این خصوص صورت گرفته نیز مبین استفاده از هر دو مدیریت سود توسط مدیران شرکت‌ها بوده است. زنگ (۲۰۱۲) بیان می‌کند مدیران هر دو دستکاری در ارقام تعهدی و مدیریت سود واقعی را در نظر می‌گیرد و با توجه به هزینه و منفعت هر روش از بین آن‌ها انتخاب می‌کنند. با توجه به امکان وجود مدیریت سود و تأثیر آن بر کیفیت گزارشگری مالی وجود واحد نظارتی در شرکت‌ها که سبب افزایش اطمینان‌بخشی نسبت به کیفیت گزارشگری مالی است ضرورت می‌یابد. مطابق قانون بررسی و نظارت بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها از جمله وظایف کمیته حسابرسی شرکت‌هاست. کمیته حسابرسی، کمیته‌ای متشکل از اعضای هیئت‌مدیره است که به طور معمول از سه، تا پنج مدیر غیرموظف تشکیل می‌شود. نبود مدیران موظف در کمیته حسابرسی سبب می‌شود حسابرسان بتوانند مسائلی چون نقاط ضعف کنترل‌های داخلی، اختلاف نظر با مدیریت درباره اصول و روش‌های حسابداری، نشانه‌های احتمالی از سواستفاده‌های مدیریت و سایر اعمال غیرقانونی مسئولان شرکت را با کمیته حسابرسی صریح‌تر مطرح کنند.

این کمیته، جهت حفظ منافع سهامداران باید نگرش جست‌وجوگرانه‌ای برگزیند و قضاوت‌های مدیریت را مورد سؤال قرار دهد. از اینرو، ترکیب و ساختار کمیته‌های حسابرسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از طرفی دیگر، ترکیب کمیته حسابرسی، محرک اصلی اثربخشی آن است (فریا، ۲۰۰۸). از جمله ویژگی‌های مؤثر بر اثربخشی کمیته حسابرسی استقلال، میزان تخصص مالی و اندازه کمیته حسابرسی می‌باشد.

کمیته حسابرسی به عنوان یکی از کمیته‌های عملیاتی و زیرمجموعه کمیته هیئت‌مدیره، مسئولیت بازبینی و نظارت بر گزارش‌های مالی و افشا را دارد. زمانی که اعضاء کمیته تغییرات غیرعادی در درآمد و هزینه در صورت‌های مالی را بیابند، آن‌ها باید در مورد این موضوعات بحث کنند و فعالیت‌های عملیاتی مرتبط با آن‌ها را بازبینی کنند. لذا به نظر می‌رسد اگر اعضاء کمیته

دارای تجربه و تخصص مالی و حسابداری باشند میزان اثربخشی کمیته افزایش می‌یابد. تحقیقات پیشین خارجی به بررسی این موضوع پرداختند. نتایج پژوهش بدراد و همکاران (۲۰۰۴) حاکی از آن بود که مدیریت سود با سطح تخصص حسابداری اعضای کمیته حسابرسی ارتباط معنادار منفی دارد. ابوت و همکاران (۲۰۰۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که نبود اعضای متخصص مالی در کمیته حسابرسی، ارتباط معناداری با افزایش احتمال وقوع اشتباه و تقلب مالی دارد و همچنین کریشنان و ویشنان (۲۰۰۸) دریافتند که محافظه‌کاری حسابداری ارتباط معنادار و مثبتی با تخصص مالی و حسابداری کمیته حسابرسی دارد.

ویژگی مهم دیگر کمیته حسابرسی که باید مورد توجه قرار گیرد، استقلال کمیته حسابرسی است. این ویژگی به صورت وسیعی در تحقیقات گذشته خارجی بررسی شده است؛ و به صورت یکی از ویژگی‌های اصلی مرتبط با اثربخشی کمیته حسابرسی در نظر گرفته شده است. کلین (۲۰۰۲) در بررسی خود به این نتیجه رسید که استقلال اعضای کمیته حسابرسی با اندازه کمیته هیئت‌مدیره و استقلال اعضای هیئت مدیریت افزایش می‌یابد و با گزارش زیان شرکت‌ها و فرصت‌های رشد رابطه منفی دارد؛ و بیان می‌کند که استقلال اعضای کمیته سبب محدود شدن مدیریت سود می‌شوند. نتایج بااهمیت مربوط به هیئت‌مدیره بیانگر نقش مؤثر آن بر کمیته حسابرسی است. همچنین کلین مشاهده نمود که بین استقلال اعضای کمیته حسابرسی و مدیریت سود رابطه منفی وجود دارد.

علاوه بر آن اندازه کمیته حسابرسی نیز از جمله عوامل مؤثر بر اثربخشی آن است. کمیته‌های حسابرسی بزرگ‌تر احتمالاً دارای اعضای با تخصص‌های بیش‌تر هستند که منجر به نظارت مؤثرتر بر فرایند گزارشگری مالی می‌شوند. (باکستر و کوتر، ۲۰۰۹). به هر حال کمیته‌های حسابرسی بزرگ‌تر ممکن است با مسئله سواری مجانی مواجه شوند که سبب کاهش اثربخشی آن‌ها شود. (لیپتن و لورچ، ۱۹۹۲).

پیشینه تجربی

در سال‌های اخیر تحقیقات زیادی در مورد نقش کمیته حسابرسی صورت پذیرفته است؛ که عمده تحقیقات به بررسی ویژگی‌ها و ابعاد کمیته حسابرسی پرداخته‌اند؛ که خلاصه‌ای از این تحقیقات در جدول زیر آورده شده است و اکثر آن‌ها از مدیریت سود مصنوعی به عنوان متغیر وابسته استفاده کرده‌اند و همچنین مدل تعدیل‌شده جونز را جهت سنجشان به کار برده‌اند. استقلال و تخصص اعضای کمیته حسابرسی نیز ویژگی غالبی است که در این تحقیقات مورد بررسی قرار گرفته است.

کلین (۲۰۰۲) به بررسی رابطه بین مدیریت سود تعهدی و استقلال کمیته حسابرسی در شرکت‌های آمریکایی پرداخت. محقق به این نتیجه رسید که شرکت‌های با اعضاء مستقل کم‌تری در هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی مدیریت سود بیش‌تری داشتند.

دیویدسون و همکاران (۲۰۰۳) نیز تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی شامل استقلال و تعداد جلسات و همچنین ویژگی‌های هیأت‌مدیره را بر مدیریت سود تعهدی شرکت‌های آمریکایی در طی سال‌های ۱۹۹۶-۱۹۹۲ بررسی نمودند یافته‌های تحقیق آن‌ها حاکی از آن بود که مدیریت سود در شرکت‌هایی که دارای هیئت‌مدیره مستقل و دارای تخصص و تجربه بودند، کاهش می‌یافت. میان تعداد جلسات هیئت‌مدیره و سطوح پایین مدیریت سود رابطه وجود دارد.

چوی و همکاران (۲۰۰۴) شرکت‌های ۱۱۶ شرکت از بازار سهام کره را در ۲۰۰۱-۲۰۰۰ انتخاب نموده و تأثیر استقلال و سطح تخصص کمیته حسابرسی و چند متغیر دیگر را بر مدیریت سود تعهدی سنجیدند نتایج بیانگر آن بود که شرکت‌های با درصد بالای استقلال کمیته حسابرسی مدیریت سود پایین‌تری داشتند؛ و میان میزان تخصص اعضاء کمیته حسابرسی و مدیریت سود رابطه‌ای وجود ندارد. ولی تعداد جلسات برگزارشده بر کاهش مدیریت سود مؤثر بودند.

وندرزن و تاور (۲۰۰۴) به بررسی رابطه استقلال و سطح تخصص کمیته حسابرسی بر مدیریت سود مصنوعی پرداختند. محققان به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های با درصد بالای استقلال کمیته حسابرسی مدیریت سود پایین‌تری داشتند؛ و میان میزان تخصص اعضاء کمیته حسابرسی و مدیریت سود رابطه‌ای وجود ندارد. ولی تعداد جلسات برگزارشده بر کاهش مدیریت سود مؤثر بودند.

رحمان و علی (۲۰۰۶) با بررسی استقلال و تعداد جلسات کمیته حسابرسی، استقلال و چرخش اعضاء هیئت‌مدیره، اندازه و دوگانگی اعضاء هیئت‌مدیره، ویژگی‌های فرهنگی بر مدیریت سود مصنوعی از طریق مدل تعدیل شده جونز در شرکت‌های مالزیایی به این نتیجه رسیدند که مدیریت سود ارتباط مثبتی با اندازه هیئت‌مدیره داشت ولی با استقلال اعضاء هیئت‌مدیره و استقلال کمیته حسابرسی ارتباطی ندارد.

باکستر و کوتر (۲۰۰۹) به بررسی نقش شکل‌گیری کمیته حسابرسی، استقلال و تخصص مالی و اندازه و فعالیت و چرخش اعضاء کمیته حسابرسی بر مدیریت سود تعهدی شرکت‌های استرالیایی پرداختند و به این نتیجه رسید که مدیریت سود با شکل‌گیری کمیته حسابرسی کاهش می‌یابد. میان ویژگی‌های مورد بررسی کمیته حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی ارتباط چندانی وجود ندارد.

مونا رینی (۲۰۱۱) ۲۰۸ شرکت عضو بورس استرالیا را انتخاب نموده و به بررسی تأثیر استقلال و تخصص کمیته حسابرسی بر ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری پرداختند نتایج حاکی از آن بود که بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری رابطه‌ای وجود ندارد.

سان و همکاران (۲۰۱۴) نیز به بررسی رابطه نسبت استقلال و سطح تخصص و چرخش و اندازه کمیته حسابرسی و کمیته هیئت‌مدیره با مدیریت سود واقعی شرکت‌های آمریکایی پرداختند نتایج تحقیق آنان حاکی از آن بود که هیچکدام از ویژگی‌های کمیته حسابرسی رابطه معناداری با مدیریت سود واقعی نداشتند.

در ایران به دلیل نوپا بودن شکل‌گیری کمیته حسابرسی در ایران تحقیقات کمی در این زمینه صورت گرفته است؛ که می‌توان به تحقیق فخاری و همکاران (۱۳۹۴) اشاره نمود. محققان با استفاده از داده‌های مقطعی سال ۹۲ به بررسی تأثیر ویژگی‌های استقلال، سطح تخصص و اندازه کمیته حسابرسی بر مدیریت سود واقعی شرکت‌های مورد بررسی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که رابطه معنی‌داری بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت سود از طریق ارقام واقعی وجود دارد.

بذرافشان و همکاران (۱۳۹۴) نیز با اجرای فراتحلیل رابطه استقلال کمیته حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی را در تحقیقات خارجی بررسی نمودند. نتایج بررسی مطالعات انجام شده پیرامون این رابطه، بیانگر آن است که این مطالعات نامتجانس (ناهمگن) می‌باشند. در راستای شناسایی عامل این عدم تجانس، با تقسیم‌بندی تحقیقات بر مبنای معیارهای متفاوت کیفیت گزارشگری مالی و محاسبه آماره کای دو درون گروهی محققین دریافتند که این معیارهای متفاوت به کار رفته در تحقیقات یکی از عوامل تناقض در نتایج تحقیقات بوده‌اند. در ادامه بررسی مشاهده شد رابطه معناداری بین استقلال کمیته حسابرسی با مدیریت سود و امتیاز کیفیت وجود ندارد در حالیکه در مقابل، رابطه معناداری بین استقلال کمیته با کیفیت ارقام تعهدی، بازده غیر عادی و تجدید ارائه و تقلب وجود دارد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش، در حوزه پژوهش‌های اثباتی قرار دارد و از حیث هدف علیرغم کاربرد آن توسط قانون‌گذاران و شرکت‌ها از نوع پژوهش‌های بنیادی است. روش پژوهش حاضر از نوع استقرایی و پس رویدادی بوده و روش آمار آن از نوع تحلیل رگرسیون است. اطلاعات مربوط به متغیرها از صورت‌های مالی سالانه، گزارش فعالیت‌های هیئت‌مدیره، گزارش کمیته حسابرسی و سایر

اطلاعاتی که در پایگاه کدال موجود و در دسترس عموم است، استخراج شده است. آماده‌سازی اطلاعات در محیط اکسل انجام‌گرفته است و با استفاده از نرم‌افزار EViews7 تجزیه و تحلیل اطلاعات صورت پذیرفته است.

۳.۱. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش دربرگیرنده کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس و اوراق بهادار تهران است که در بین سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۳ عضو بورس تهران باشند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، روش حذفی با توجه به معیارهای از پیش تعیین‌شده است. فقط شرکت‌هایی در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد که دارای تمامی شرایط زیر باشند:

۱- قبل از سال ۱۳۹۰ وارد بورس شده باشند و سال مالی شرکت منتهی به ۲۹ اسفند هر سال باشد.

۲- شرکت در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ تغییر سال مالی نداده باشد و در فاصله زمانی مزبور معاملات سهام آن به استثنای دوره معمول برای برگزاری مجمع، متوقف نشده باشد.

۳- جز شرکت‌های سرمایه‌گذاری یا واسطه مالی نباشد. این محدودیت به دلیل ساختار مالی و گزارشگری متفاوت این شرکت‌ها از دیگر شرکت‌های بورسی اعمال شده است.

۴- در سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ دارای کمیته حسابرسی باشد.

پس از اعمال محدودیت‌های بالا تعداد ۵۰ شرکت انتخاب شد. به دلیل آنکه کمیته حسابرسی نقش نظارتی دارد و با توجه به اینکه سابقه شکل‌گیری در اثربخشی کمیته حسابرسی مؤثر است بنابراین در این تحقیق دوره ۳ ساله سابقه تشکیل کمیته مدنظر قرار داده شده است.

۳.۲. مدل پژوهش و متغیرهای آن

مدل پژوهشی حاضر با پیروی از سان و همکاران (۲۰۱۴) و تحقیقات پیشین صورت گرفته به صورت زیر است:

$$y = b_0 + b_1 ACEXP_t + b_2 ACTEN_t + b_3 ACSIZE_t + b_4 BDEXP_t + b_5 BDIND_t + b_6 BDSIZE_t + b_7 SIZE_t + b_8 MB_t + b_9 ROA_t + \epsilon_{it}$$

۳.۳. متغیرهای وابسته

در این تحقیق برای اندازه‌گیری مدیریت مصنوعی سود (اقدام تعهدی اختیاری) از مدل تعدیل شده جونز و برای سنجش مدیریت سود واقعی از تقسیم‌بندی رویچودهری (۲۰۰۶) استفاده شده است.

الف. مدیریت مصنوعی سود (اقدام تعهدی اختیاری)

این مدل با افزودن متغیر عملیاتی در حساب‌های دریافتی، مدل جونز را تعدیل می‌کند

$$\begin{aligned} TACCit/TAi,t-1 &= NI-CFO/TAi,t-1 \\ &= a_1(1/TAi,t-1) + a_2(\Delta REVit - \Delta RECit)/TAi,t-1 \\ &+ a_3PPEi,t/TAi,t-1 + \varepsilon it \end{aligned}$$

$TACCit$ = کل اقدام تعهدی شرکت i در سال t است که تفاوت جریان نقدی عملیاتی و سود خالص قبل از اقدام غیرمترقبه است.

$\Delta REVit$ = تغییرات درآمد فروش شرکت i در سال‌های t و $t-1$

$\Delta RECit$ = تغییرات حساب‌های دریافتی شرکت i در سال‌های t و $t-1$

$PPEi,t$ = ارزش ناخالص اموال و ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت i در سال t

که مقادیر بالا برحسب دارایی‌های سال قبل شرکت ($TAi,t-1$) استاندارد می‌شوند. قدر مطلق εit در این مدل به عنوان مدیریت سود مصنوعی (تعهدی) در نظر گرفته می‌شود؛ که مقادیر بزرگ‌تر نشان‌دهنده مدیریت سود بیش‌تر است.

ب. مدیریت سود واقعی

برای به دست آوردن مدیریت واقعی سود مدل رویچودهری (۲۰۰۶) استفاده شده است. مشابه تحقیق وی، در تحقیق حاضر نیز به منظور دستکاری اقدام واقعی، سه معیار در نظر گرفته شده و برآورد شده است که شامل سطح غیرعادی هزینه‌های تولید، سطح غیرعادی هزینه‌های اختیاری و سطح غیرعادی جریان وجوه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی است. مدل‌های صورت گرفته بعد از رویچودهری از قبیل کوه و زاروین (۲۰۱۰) و ژائو و همکاران (۲۰۱۲) شواهدی از اعتبار این معیارها ارائه کرده‌اند. تحقیق حاضر جهت محاسبه مدیریت سود واقعی به روش زیر سه معیار ذکر شده را محاسبه کرده است:

۱. کاهش بهای تمام شده تولید از طریق افزایش تولید

مدیران از طریق افزایش تولید بیش از حد مورد نیاز می‌توانند هزینه‌های ثابت را روی تعداد بیش‌تری محصول سرشکن کرده و در نتیجه باعث افزایش سود سال مالی شوند. با پیروی از رویچودهری در این تحقیق سطح غیرعادی هزینه‌های تولید از طریق زیر محاسبه شده است:

$$\begin{aligned} & Prodcosti, t / Asseti, t - 1 \\ & = K1 / Asseti, t - 1 + K2 * Revi, t / Asseti, t - 1 + K3 * \Delta Revi, \\ & t / Asseti, t - 1 + K4 * \Delta Revi, t - 1 / Asseti, t - 1 + \epsilon i, t \end{aligned}$$

$Prodcosti, t$: بهای تمام‌شده کالای فروش رفته به علاوه تفاوت موجودی کالای ابتدا و پایان دوره

$Revi, t$: درآمد فروش (خالص)

۲. مدل برآوردی سطح هزینه‌های اختیاری

برای اندازه‌گیری این مدل از هزینه‌های اختیاری عمومی اداری و فروش استفاده شده است؛ و با پیروی از رویچودهری (۲۰۰۶) به صورت زیر برآورد می‌شود:

$$\begin{aligned} & DisExpi, t / Asseti, t - 1 \\ & = K1 * 1 / Asseti, t - 1 + K2 * Revi, t - 1 / Asseti, t - 1 + \epsilon i, t \end{aligned}$$

$DisExpi, t$: هزینه‌های فروش، عمومی و اداری

۳. مدل سطح عادی جریان‌ات نقدی عملیاتی

$$\begin{aligned} & CFOi, t / Asseti, t - 1 = K1 * 1 / Asseti, t - 1 + K2 * Revi, t / Asseti, t \\ & - 1 + K3 * \Delta Revi, t / Asseti, t - 1 + \epsilon i, t \end{aligned}$$

$CFOi, t$: جریان‌ات نقدی عملیاتی در سال t

۴. مدل جامع مدیریت واقعی سود

با برازش مدل‌های رگرسیونی بالا مقادیر باقیمانده $(\epsilon i, t)$ به عنوان میزان دستکاری سود تعیین شده‌اند؛ که با پیروی از مدل‌های کوهن و زاروین (۲۰۱۰) و ژائو و همکاران (۲۰۱۲) از یک معیار جامع برای مدیریت سود واقعی به شرح زیر استفاده می‌شود:

$$REMi, t = -AbnCFOi, t + Abnprodcosti, t - AbnDisExpi, t$$

که در آن:

$AbnCFOi, t$: سطح غیرعادی جریان‌ات نقدی عملیاتی

$AbnProdcosti, t$: سطح غیرعادی هزینه‌های تولید

$AbnDisExpi, t$: سطح غیرعادی هزینه‌های اختیاری

متغیرهای مستقل و کنترل
 ACEXP یا تخصص مالی کمیته حسابرسی: نسبت تخصص مالی و حسابداری اعضاء کمیته حسابرسی
 ACIND یا استقلال کمیته حسابرسی: نسبت اعضاء مستقل کمیته حسابرسی به کل اعضاء کمیته حسابرسی
 ACSIZE یا اندازه کمیته حسابرسی: تعداد کل اعضاء کمیته حسابرسی
 BSIZE یا اندازه هیئت‌مدیره: تعداد کل مدیران در هیئت‌مدیره
 BIND یا استقلال هیئت‌مدیره: نسبت مدیران غیرموظف در هیئت‌مدیره
 BEXP یا تخصص مالی هیئت‌مدیره = نسبت اعضاء دارای تخصص مالی و حسابداری در هیئت‌مدیره
 FSIZE یا اندازه شرکت: توسط لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها اندازه‌گیری می‌شود.
 Lev یا اهرم مالی: نسبت بدهی‌ها به دارایی‌ها

۳.۴. فرضیات پژوهش

جهت دستیابی به اهداف تحقیق حاضر، فرضیه‌های اصلی پژوهش به شرح زیر و به ترتیب بر اساس ابعاد کمیته حسابرسی و مدیریت سود واقعی و مصنوعی مطرح گردیده و مورد آزمون قرار گرفت:

- فرضیه اول: میزان تخصص مالی اعضاء کمیته حسابرسی با مدیریت سود تعهدی رابطه دارد.
- فرضیه دوم: میزان استقلال اعضاء کمیته حسابرسی با مدیریت سود تعهدی رابطه دارد.
- فرضیه سوم: اندازه اعضاء کمیته حسابرسی با مدیریت سود مصنوعی رابطه منفی دارد.
- فرضیه چهارم: میزان تخصص مالی اعضاء کمیته حسابرسی با مدیریت سود واقعی رابطه دارد.
- فرضیه پنجم: میزان استقلال کمیته حسابرسی با مدیریت سود واقعی رابطه دارد.
- فرضیه ششم: اندازه کمیته حسابرسی با مدیریت سود واقعی رابطه منفی دارد.

۴. نتایج آزمون فرضیه‌ها و یافته‌های پژوهش

۴.۱. تحلیل توصیفی داده‌ها

آمار توصیفی متغیرهای وابسته، مستقل و کنترل که با استفاده از داده‌های ۵۰ شرکت مورد بررسی طی دوره آزمون (سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۳) اندازه‌گیری شده‌اند، شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، کمینه و بیشینه است در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

اندازه شرکت	اهرم مالی	اندازه هیئت‌مدیره	نسبت استقلال هیئت‌مدیره	نسبت تخصص مالی هیئت‌مدیره	اندازه کمیته حسابرسی	نسبت استقلال کمیته حسابرسی	نسبت تخصص کمیته حسابرسی	مدیریت سود واقعی	مدیریت سود مصنوعی	
۱۴/۲۶	۰/۵۶۳	۵/۰۴	۰/۷۳۴	۰/۱۰۲	۳/۲	۰/۶۹۱	۰/۷۷۱	-/۰۱	۰	میانگین
۱۴/۰۵	۰/۵۵۶	۵	۰/۸	۰	۳	۰/۶۶۷	۰/۸	۰/۰۱	۰/۰۰۷	میانه
۱۸/۸۸	۱	۷	۱	۰/۶	۵	۱	۱	۱/۳۱	۰/۳۱۴	ماکزیمم
۱۰/۶۵	۰/۰۸۸	۴	۰/۲	۰	۳	۰	۰	-/۱۶	-/۳۸۷	مینیمم
۱/۴۳	۰/۱۸۱	۰/۲۸۵	۰/۱۴۹	۰/۱۴۴	۰/۶۱۲	۰/۱۵۳	۰/۲۵۸	۰/۳۱۵	۰/۱۱۹	انحراف معیار
۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	تعداد مشاهدات

همانطوری که در جدول ۲ به طور خلاصه نشان داده شده است، متغیر نسبت استقلال دارای میانگین ۰/۶۹ و نسبت تخصص ۰/۷۷ و اندازه کمیته ۳/۲، استقلال کمیته هیئت‌مدیره (نسبت اعضاء غیرموظف) ۷/۳، نسبت تخصص مالی اعضاء هیئت‌مدیره ۰/۱۰۲، اندازه کمیته هیئت‌مدیره ۵، اهرم ۰/۶۳ و اندازه شرکت ۱۴/۲ است؛ که نشان می‌دهد نسبت تخصص و استقلال اعضاء کمیته حسابرسی از حد متوسط بالاتر است. ولی در مورد تخصص مالی اعضاء هیئت‌مدیره اینطور نیست.

۴.۲. آمار استنباطی

همانطوری که در بخش مبانی نظری گفته شد برای سنجش مدیریت سود از مدیریت سود واقعی و مصنوعی استفاده شده است که بران اساس فرضیه‌های اول تا سوم مرتبط با مدیریت مصنوعی سود و فرضیه‌های چهارم تا ششم مرتبط با مدیریت سود واقعی می‌باشند. در ادامه نتایج مرتبط با آزمون فرضیات ارائه شده‌اند.

۴.۲.۱. نتایج مرتبط با مدیریت سود مصنوعی

نتایج مرتبط با تجزیه و تحلیل آماری آزمون فرضیه‌های مرتبط با ارتباط ابعاد کمیته حسابرسی با مدیریت سود تعهدی (مصنوعی) بر اساس جدول ۲ به صورت زیر بیان شده است.

جدول ۲. نتایج آماری رابطه ابعاد کمیته حسابرسی با مدیریت سود مصنوعی

$$RED_t = b_0 + b_1 ACEXP_t + b_2 ACTENT_t + b_3 ACSIZE_t + b_4 BDIND_t + b_5 BDEXPT_t + b_6 BDSIZE_t + b_7 SIZE_t + b_8 lev + \varepsilon_{it}$$

متغیرها	ضریب	آماره t	سطح خطا	VIF
سطح تخصص کمیته حسابرسی	۰/۰۱۶	۱/۲۴۷	۰/۳۱۴	۱/۰۸
استقلال اعضاء کمیته حسابرسی	-۰/۰۴۸	-۲/۰۵	۰/۰۴۱	۱/۱۶
اندازه کمیته حسابرسی	-۰/۰۰۶	-۱/۲۲۵	۰/۲۲۲	۱/۰۶
سطح تخصص هیئت مدیره	-۰/۱۰۴۷	-۵/۲۴۸	۰/۰۰۰	۱/۱۱
استقلال هیئت مدیره	۰/۰۱۴۷۷۵	۰/۶۷۴	۰/۵۰۰	۱/۰۳
اندازه هیئت مدیره	۰/۰۰۲۲	۰/۲۴۶	۰/۸۰۵	۱/۰۶
اهرم	۳۰/۹۷	۲/۸۲۰	۰/۰۰۵۵	۱/۰۹
اندازه شرکت	۳۰/۹۸	۲/۸۲۱	۰/۰۰۵۵	۱/۰۸۳
آماره F	۹/۸۶	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۳۹۵	
احتمال آماره F	۰/۰۰۰	آماره دوربین واتسن	۲/۱۷	
آزمون لیمر	۰/۴۴(۰/۶۶)	آزمون هاسمن	۰۰۰	

همانطوری که در جدول بالا مشخص شده است شواهدی دال بر وجود رابطه بین تخصص کمیته حسابرسی (سطح معنی داری ۰/۲۱) و اندازه کمیته حسابرسی (سطح معناداری ۰/۲۲) با مدیریت سود تعهدی وجود ندارد اما استقلال کمیته حسابرسی (با سطح معناداری ۰/۰۴) دارای رابطه معنی دار و منفی با مدیریت سود تعهدی است؛ بنابراین فرضیه اول و سوم پژوهش تأیید نمی‌شوند اما فرضیه دوم تأیید می‌شود. همچنین آماره VIF نشان دهنده عدم وجود همخطی بین متغیرهاست.

در خصوص متغیرهای هیئت مدیره نیز سطح تخصص مالی اعضاء هیئت مدیره (با سطح معناداری صفر) دارای رابطه معنادار منفی با مدیریت سود تعهدی است یعنی با افزایش سطح تخصص هیئت مدیره مدیریت سود تعهدی کاهش می‌یابد. ولی استقلال و اندازه هیئت مدیره رابطه معناداری ندارد. علاوه بر آن سطوح معناداری متغیرهای کنترلی پژوهش شامل اهرم (سطح معناداری ۰/۰۰۵) و اندازه شرکت (سطح معناداری ۰/۰۰۵) نیز نشان دهنده آن است که اهرم با مدیریت سود تعهدی رابطه معنادار منفی دارد و اندازه شرکت رابطه معنادار مثبتی دارد یعنی با افزایش اندازه شرکتها احتمال مدیریت سود تعهدی افزایش می‌یابد.

۴.۲.۲. نتایج مرتبط با مدیریت سود واقعی

فرضیات چهارم تا ششم در این تحقیق به بررسی رابطه ابعاد کمیته حسابرسی با مدیریت سود واقعی می‌پردازند که نتایج تجزیه و تحلیل آماری این فرضیات در جداول ۳ و ۴ ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج آماری رابطه ابعاد کمیته حسابرسی با مدیریت سود واقعی

متغیرها	ضریب	آماره t	سطح خطا	VIF
سطح تخصص کمیته حسابرسی	-۰/۰۸۴	۲/۴۸	۰/۰۱۴	۱/۱۴
استقلال اعضاء کمیته حسابرسی	-۰/۰۵۶	۰/۹۰۸	۰/۳۶۲	۱/۱۶
اندازه کمیته حسابرسی	-۰/۰۱۰	۰/۴۲۶	۰/۶۷۰	۱/۰۶
سطح تخصص هیئت مدیره	-۰/۰۸۸	۱/۶۰۷	۰/۱۱۰	۱/۱۱
استقلال هیئت مدیره	-۰/۱۲۷	-۱/۸۷۵	۰/۰۶۳	۱/۰۳۷
اندازه هیئت مدیره	-۰/۰۳۵	۱/۰۷	۰/۲۸۲	۱/۰۶۷
اهرم مالی	-۰/۶۵۷	۹/۹۰	۰/۰۰۰	۱/۰۹۴
اندازه شرکت	-۰/۰۲	-۱/۵۰	۰/۱۳۴	۱/۹۸۳
آماره F	۲۷/۳۷۷	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۶۶۸	
احتمال آماره F	۰/۰۰۰	دوربین واتسن	۱/۵۰۴	
آزمون لیمر	۰/۳۵۴(۰/۷۰۲/)	آزمون هاسمن	۰۰۰	

شاخص مدیریت سود بر طبق مدل کوهن و زاروین (۲۰۱۰) حاصل برآیند هر سه جز می‌باشد. همانطوری که در جدول ۳ مشاهده می‌شود با توجه به سطح معناداری به دست آمده سطح تخصص کمیته حسابرسی (سطح معناداری ۰/۰۱۴) دارای رابطه مثبت و معناداری با مدیریت سود واقعی است بنابراین فرضیه چهارم پژوهشی تأیید می‌گردد؛ اما ابعاد استقلال (با سطح معناداری ۰/۳۶۲)، اندازه کمیته حسابرسی (با سطح معناداری ۰/۳۶۷) با مدیریت سود واقعی رابطه ندارند؛ بنابراین فرضیه‌های پنجم و ششم تأیید نمی‌شوند. در مورد سایر متغیرها نیز متغیرهای مرتبط با هیئت مدیره شرکت‌ها رابطه معناداری را مشخص نمی‌کنند. در خصوص متغیرهای کنترلی نیز اهرم (با سطح معنی داری صفر) دارای رابطه مثبتی با مدیریت سود واقعی است یعنی با افزایش نسبت بدهی به دارایی‌های شرکت‌ها مدیریت سود واقعی افزایش می‌یابد. البته ابعاد کمیته حسابرسی را با اجزا مدیریت سود واقعی طبق روش رویچودهری (۲۰۰۶) به صورت مجزا سنجیده شده است؛ که نتایج تحلیل رگرسیونی آن‌ها در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴- نتایج آماری بررسی ابعاد حاکمیت شرکتی با اجزا مدیریت سود واقعی

مدل برآوردی سطح هزینه‌های اختیاری			مدل سطح عادی جریانات نقدی عملیاتی			کاهش بهای تمام‌شده تولید از طریق افزایش تولید			
ضرب	آماره t	سطح خطا	ضرب	آماره t	سطح خطا	ضرب	آماره t	سطح خطا	متغیرها
۰/۴۷۷	-۰/۷۱۲	-۰/۲۹	۰/۱۵	۱/۴۲	۰/۱۲	۰/۰۱۸	۲/۳۹	۰/۰۴۷	سطح تخصص کمیته حسابرسی
۰/۶۶۴	-۰/۴۳۴	-۰/۲۶	۰/۶۴۹	-۰/۴۵۵	۰/۰۰۶	۰/۵۶۱	۰/۵۸۲	۰/۲۳	استقلال اعضاء کمیته حسابرسی
۰/۶۸۴	۰/۴۰۷	۰/۰۰۶	۰/۹۷۶	-۰/۰۳۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۸	۰/۵۸۲	۰/۰۲۴	اندازه کمیته حسابرسی
۰/۳۳۱	۰/۹۷۵	۰/۰۶۰	۰/۹۱۰	-۰/۱۱۲	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	۲/۶۸	۰/۱۲۸	سطح تخصص هیئت‌مدیره
۰/۰۱۷	۲/۴۱	۰/۱۵۶	۰/۷۴۲	۰/۳۲۹	۰/۰۰۵	۰/۱۷۰	۳/۱۳	۰/۰۴۴	استقلال هیئت‌مدیره
۰/۲۸۱	-۱/۰۸	-۰/۰۳۴	۰/۲۴۳	۱/۱۷۲	۰/۰۱۲	۰/۱۰۲	۱/۳۷	۰/۰۳۴	اندازه هیئت‌مدیره
۰/۰۰۰	-۵/۵۳	-۰/۳۱۵	۰/۰۰۳	-۳/۰۲	-۰/۰۳۰	۰/۰۰۰	۱/۶۴	۰/۴۳۱	فرصت رشد
۰/۱۵۷	۱/۵۲	۰/۰۱۸	۰/۰۰۰	-۳/۶۹	-۰/۰۱۶	۰/۰۱۲	-۱۰/۶۹	-۰/۰۰۴	اندازه شرکت
۰/۵۶۶			۰/۵۶۸			۰/۵۸۹			ضرب تعیین تعدیل شده
۱۵/۴۹			۱۵/۶۹۹			۱۸/۳۶			F-statistic
۰/۰۰۰			۰/۰۰۰			۰/۰۰۰			Prob (F-statistic)
۱/۵۵			۱/۵۴۳			۱/۵۶			Durbin-Watson stat
۱/۴۱(۰/۲۴۷)			۰/۲۶۵(۰/۷۶۷)			۰/۰۱۰(۰/۹۸۹)			آماره لیمر (سطح خطا)
...					آماره هاسمن

همانطوری که در جدول ۴ مشخص شده است، ویژگی سطح تخصص کمیته حسابرسی (سطح معناداری ۰/۰۱۸) و اندازه کمیته حسابرسی (سطح معناداری ۰/۰۰۸) در سطح اطمینان ۹۵٪ با دستکاری واقعی فعالیت‌های شرکت‌ها از طریق کاهش بهای تمام شده تولید از طریق افزایش تولید رابطه معنادار و مستقیمی دارد ولی استقلال کمیته حسابرسی رابطه معناداری ندارند. از میان ابعاد هیئت‌مدیره نیز تخصص مالی هیئت‌مدیره (با سطح معناداری ۰/۰۰۲) دارای رابطه معنادار و مستقیم است یعنی افزایش تخصص مالی اعضاء هیئت‌مدیره سبب افزایش مدیریت سود از طریق دستکاری بهای تمام‌شده تولید می‌شود.

در مورد مدل دوم یعنی مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری سطح عادی جریان‌ات نقدی عملیاتی نیز با توجه به سطح معناداری مدل‌ها هیچکدام از متغیرهای با این نوع از مدیریت سود رابطه‌ای ندارند. در این مدل فقط متغیرهای کنترلی رابطه معناداری را نشان داده‌اند. در مورد متغیر سوم یعنی دستکاری مدیریت از طریق برآورد سطح هزینه‌های اختیاری نیز نتایج حاکی از آن است که باز هم هیچکدام از ابعاد کمیته حسابرسی رابطه معناداری ندارند و از میان ویژگی‌های هیئت‌مدیره استقلال اعضاء هیئت‌مدیره (سطح معناداری ۰/۰۱۷) رابطه معنادار و مستقیمی دارد و سایر ابعاد دارای رابطه معنادار نمی‌باشند. همانطوری که مشاهده می‌شود در هر سه مدل از میان ویژگی‌های کلی شرکت که به صورت متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شدند، متغیر اهرم دارای رابطه معناداری با هر ۳ مدل است که با دستکاری واقعی فعالیت‌های شرکت‌ها از طریق کاهش بهای تمام‌شده تولید از طریق افزایش تولید (سطح معناداری صفر) دارای رابطه معنادار مستقیم و با دو مدل مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری سطح عادی جریان‌ات نقدی عملیاتی (۰/۰۰۳) و دستکاری مدیریت از طریق برآورد سطح هزینه‌های اختیاری (سطح معناداری صفر) دارای رابطه معنادار و منفی است.

در ادامه به منظور درک بهتر یافته‌های پژوهش نتایج فرضیات پژوهش در جدول ۵ خلاصه شده است:

جدول ۵: خلاصه نتایج فرضیات تحقیق

ردیف	گزاره	نتیجه آزمون فرضیه
فرضیه اول	میزان تخصص کمیته حسابرسی با مدیریت سود تعهدی رابطه منفی دارد.	رد
فرضیه دوم	میزان استقلال اعضاء کمیته حسابرسی با مدیریت سود تعهدی رابطه دارد.	تأیید
فرضیه سوم	اندازه کمیته حسابرسی با مدیریت سود تعهدی رابطه دارد.	رد
فرضیه چهارم	میزان سطح تخصص مالی اعضاء کمیته حسابرسی با مدیریت سود واقعی	تأیید
فرضیه پنجم	میزان استقلال کمیته حسابرسی با مدیریت سود واقعی رابطه دارد.	رد
فرضیه ششم	اندازه کمیته حسابرسی با مدیریت سود واقعی رابطه دارد.	رد

همانطوری که در جدول بالا مشخص شده است ویژگی‌های کمیته حسابرسی با مدیریت سود واقعی رابطه‌ای ندارند. این نتیجه با نتایج تحقیق سان و همکاران (۲۰۱۴) مطابقت دارد ولی با تحقیق فخاری و همکاران (۱۳۹۴) مغایر است؛ یعنی با اینکه انتظار می‌رود کمیته حسابرسی در جلوگیری از مدیریت سود مصنوعی مؤثر باشند ولی در عمل این اتفاق رخ نمی‌دهد. علاوه بر آن نتایج آزمون فرضیات مرتبط با مدیریت سود تعهدی و ویژگی‌های کمیته حسابرسی نشان

می‌دهد که تخصص کمیته حسابرسی با مدیریت سود مصنوعی رابطه معناداری ندارد و این نتیجه با تحقیق قبلی باکستر (۲۰۰۷) مطابقت دارد و با نتایج تحقیقات دیود سون و همکاران (۲۰۰۳)، جون و چوی و پارک (۲۰۰۴) مغایر است. علاوه بر آن بین استقلال اعضاء کمیته حسابرسی نیز با مدیریت سود رابطه معناداری یافت شد که با نتایج تحقیق رحمان و علی (۲۰۰۶) مطابقت ندارد اما با نتایج کلین (۲۰۰۲)، دیود سون و همکاران (۲۰۰۳) و واندر زن و تاور (۲۰۰۴) مطابقت دارد یعنی افزایش استقلال اعضاء هیئت‌مدیره سبب کاهش مدیریت سود تعهدی می‌گردد. بر اساس آزمون فرضیه سوم و ششم نیز اندازه کمیته حسابرسی با مدیریت سود تعهدی رابطه معناداری ندارد؛ یعنی اندازه کمیته حسابرسی بر مدیریت سود تعهدی و واقعی تأثیری ندارد این نتیجه با سان و همکاران (۲۰۱۴)، یافته‌های کلین (۲۰۰۲)، رحمان و علی (۲۰۰۶) مطابقت دارد.

نتیجه‌گیری

با افزایش گستردگی شرکت‌ها و در پی بحران‌های مالی و ورشکستگی شرکت‌های بزرگی از قبیل انرون. نیاز به حاکمیت شرکتی و خصوصاً کمیته هیئت‌مدیره در شرکت‌ها به وجود آمد ولی به مرور مشخص شد که هیئت‌مدیره نیز در شرکت‌های بزرگ قادر به اداره و نظارت مؤثر بر همه امور شرکت نیست لذا این امر منجر به ایجاد کمیته‌های ویژه‌ای درون شرکت‌ها شد که از جمله آن کمیته حسابرسی شرکت‌ها است. این کمیته به نظارت مالی مؤثر کمک می‌کند و انتظار می‌رود به صورت اثربخش باعث افزایش کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها شود؛ بنابراین در این پژوهش به بررسی رابطه ابعاد کمیته حسابرسی و مدیریت سود واقعی و تعهدی شرکت‌ها پرداخته شده است. مدیریت سود تعهدی از طریق روش تعدیل‌شده جونز محاسبه گردید و مدیریت واقعی سود به روش رویچودهری (۲۰۰۶) اندازه‌گیری شده است. همچنین ابعاد کمیته حسابرسی شامل سطح تخصص مالی و حسابداری اعضاء، استقلال اعضاء و اندازه کمیته حسابرسی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که از میان ابعاد کمیته حسابرسی میزان استقلال کمیته حسابرسی با مدیریت سود تعهدی دارای رابطه معنادار و منفی است یعنی با افزایش میزان اعضاء مستقل کمیته حسابرسی، مدیریت سود مصنوعی کاهش می‌یابد ولی در ارتباط با رابطه ابعاد کمیته حسابرسی و سطح تخصص مالی آن‌ها با مدیریت سود تعهدی شواهدی یافت نشد. در خصوص ارتباط ابعاد مورد بررسی کمیته حسابرسی با مدیریت سود واقعی نیز فقط سطح تخصص مالی اعضاء با مدیریت سود واقعی دارای رابطه معنادار مثبتی بوده است این یافته برخلاف نقش مورد انتظار کمیته‌های حسابرسی است یعنی با اینکه انتظار می‌رود با

افزایش سطح تخصص مالی اعضاء مدیریت سود کاهش یابد ولی در این پژوهش رابطه مثبتی یافت شده است.

با توجه به اینکه بین استقلال کمیته حسابرسی و مدیریت سود تعهدی رابطه معناداری یافت شده است بنابراین انتظار می‌رود سازمان بورس اوراق بهادار به این نکته دقت کند و حتی‌الامکان شرکت‌ها را ملزم کند که اعضاء مستقل بیش‌تری در کمیته حسابرسی خود داشته باشند همچنین با توجه به معنادار نبودن سطح تخصص مالی اعضاء با مدیریت سود تعهدی به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود که به این ویژگی اعضاء دقت نماید و حتی‌الامکان عضویت اعضاء با مدرک حسابداری رسمی را در اولویت قرار دهد. همچنین با توجه به معنادار نبودن کلی نقش کمیته‌های حسابرسی در مدیریت سود واقعی و تعهدی شرکت‌ها در این تحقیق، انتظار می‌رود که با گذشت زمان و افزایش سابقه شکل‌گیری این کمیته راهبری در شرکت‌ها تحقیقات با دوره‌های زمانی طولانی‌تر در آینده نیز این روابط را بررسی نموده و به بررسی آسیب‌شناسی و اندازه‌گیری میزان اثربخشی نقش آن بپردازند؛ بنابراین می‌توان از طریق تحقیق کمی در دوره‌های طولانی‌تر این تحقیق را انجام داد و یا از طریق روش تحقیق کیفی عواملی که بر اثر بخشی کمیته حسابرسی مؤثر هستند را بررسی نمود خصوصاً عواملی که بر نقش کمیته حسابرسی در افزایش کیفیت اطلاعات مالی می‌توانند نقش داشته باشند.

منابع و مأخذ

- بذرافشان، آ.، حجازی، ر.، رحمانی، ع. و باستانی، س. (۱۳۹۴). "فرا تحلیل (متاآنالیز) استقلال کمیته حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی". فصلنامه حسابداری مدیریت، ۸ (۲۵)، ۱۰۱-۱۱۷.
- فخاری، ح.، محمدی، ج.، حسن‌نجاجردی، م. (۱۳۹۴). "بررسی اثر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق اقلام واقعی". فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۳ (۴۶)، ۱۳۰-۱۵۴.
- Abbott, L.J., Parker, S. and Peters. G.F. (2004). "Audit Committee Characteristics and Restatements". *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 23 (1): 69- 87.
- Abbott, L.P. and Parker, S. (2000). "Auditor Selection and Audit Committee Characteristics". *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 19 (2): 47-66.
- Baxter, P. and Cotter, J. (2009). "Audit Committees and Earnings Quality". *Accounting and Finance*, 49 (2): 267-290.
- Bedard, J. Chtourou, S.M. and Courteau, L. (2004). "The Effect of Audit Vommittee Expertise, Independence, and Activity on Aggressive Earnings Management". *Auditing. A Journal of Practice & Theory*. 23 (2): 13-35.

- Choi, J.H., Jeon, K.A. and Park, J.I. (2004). "The Role of Audit Committee in Decreasing Earning Management: Korean Evidence". *International Journal of Accounting, Auditing and Performance Evaluation*, 1 (1): 37-60.
- Cohen, D. and Zarowin, P. (2010). "Accrual-based and Real Earnings Management Activities around Seasoned Equity Offerings". *Journal of Accounting and Economics*, 50 (1): 2-19.
- Davidson, R., Goodwin-Stewart, J. and Kent, P. (2005). "Internal Governance Structures and Earnings Management". *Journal of Accounting and Finance*, 45 (2): 24-1267.
- Dichev, I. and Skinner, D. (2002). "Large Sample Evidence on the Debt Covenant Hypothesis". *Journal of Accounting Research*, 40 (4): 1091-1123.
- Dechow, P.M., Sloan, R.G. and Sweeney, A.P. (1995). "Detecting Earnings Management". *Journal of The Accounting Review*, 70 (2): 193-225.
- Ferreira, I. (2008). "The Effect of Audit Committee Composition and Structure on the Performance of Audit Committees". *Journal of Meditari Accountancy Research*, 16 (2): 89-106.
- Fudenberg, D. and Tirole, J. (1995). "A Theory of Income and Dividend Smoothing Based on Incumbency Rents". *Journal of Political Economy*, 103 (1): 75-93.
- Habib, A. and Azim, I. (2008). "Corporate Governance and the Value Relevance of Accounting Information". *Accounting Research Journal*, 21 (2): 167-194.
- Healy, P. and Wahlen, J. (1999). "A Review of the Earnings Management Literature and Implications for Standard Setters". *Journal of Accounting Horizons*, 13 (4): 365-383.
- Higgs, D. (2003). Review of the role and effectiveness of nonexecutive directors. www.dti.gov.uk/cld/non_execs_reviewi.
- Klein, A. (2002). "Audit Committee, Board of Director Characteristics, and Earnings Management". *Journal of Accounting and Economics*, 33 (3): 375-400.
- Krishnan, G. and Visvanathan, G. (2008). "Does the SOX Definition of an Accounting Expert Matter? The Association between Audit Committee Directors' Accounting Expertise and Accounting Conservatism". *Contemporary Accounting Research*, 25 (3): 827-857.
- Lipton, M. and Lorsch, J.W. (1992). "A Modest Proposal for Improved Corporate Governance". *The Business Lawyer*, 48 (1): 59-77.

- Rahman, R. and Ali, F. (2006). "Board, Audit Committee, Culture and Earning Management: Malaysian Evidence". *Managerial Auditing Journal*, 21 (7): 783-804.
- Rani, M. (2011). The Effects of Audit Committee Characteristics on the Value Relevance of Accounting Information -Evidence from New Zealand.
- Rezaee, Z. Olibe, K. and Minnier, G. (2003). "Improving Corporate Governance: the Role of Audit Committee Disclosures". *Managerial Auditing Journal*, 18 (6/7): 530-537.
- Roychoeddhury, S. (2006). "Earning Management through Real Activities Manipulation". *Journal of Accounting and Economics*. 42 (3): 335-370.
- Sun, J., Lan, J. and Liu, G. (2014). "Independ Audit Committee Characteristics and Real Earnings Management". *Managerial Auditing Journal*, 29 (2): 153-172.
- Van der Zahn, M. and Tower, G. (2004). "Audit Committee Features and Earnings Management: further Evidence from Singapore". *International Journal of Business Governance and Ethics*, 1 (2): 233-257.
- Zang, A.Y. (2012). "Evidence on the Trade-off between Real Activities Manipulation and Accrual-based Earnings Management". *The Accounting Review*, 87 (2): 675-703.
- Zhao, Y., Chen, K.L., Zhang, Y. and Davis, M. (2012). "Takeover Protection and Managerial Myopia: Evidence from Real Earnings Management". *Journal of Accounting and Public Policy*, 1 (1): 109-135.